



خیلواکی

استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

۰۵ اپریل، ۲۰۲۳

داکتر عبدالرحمن زمانی

## اختلافات داخلی رژیم خاندانی نادرشاه و اندرز های پدرا نه مقامات انگلیسی (۲) (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

**مثال چهارم : در موضوعات بزرگتر یحیی خیل یا باید باهم بایستند یا سقوط کنند:**

در سند دیگر آرشیف انگلستان مقامات انگلیسی یکبار دیگر بعد از آگاهی از دسایس و مخالفت های داخلی رژیم خاندانی اخطار میدهد که «با وجودیکه شاه محمود خان (وزیر حربیه )، شهزاده داؤد (قومندان قول اردوی کابل) و حتی ظاهر شاه میتوانند با صدراعظم راجع به مسائل کوچک اختلاف داشته باشند، اما تمام خاندان شاهی باید اینقدر عقل داشته باشند تا درک کنند که در موضوعات بزرگتر یحیی خیل یا باید باهم بایستند یا سقوط کنند». (آرشیف انگلستان، راپور شماره ۴۳ مؤرخ اول ماه نومبر ۱۹۴۱).

**مثال پنجم : ارتقای یکصد و پنجاه (۱۵۰) نفر صاحب منصب به رتبه های بلند تر (تدارک کودتا؟):**  
در یک سند دیگر از آرشیف انگلستان میخوانیم که «مراسم جشن استقلال سال ۱۹۴۲ به تاریخ ۲۸ ماه اگست به پایان رسید. تعداد کمی از مردم امسال دلچسپی نشان داده و درین مراسم شرکت نمودند. گفته میشود که اختلافات بین اعضای خاندان شاهی، بخصوص بین وزیر حربیه و برادر زاده اش، فرقه مشر محمد داؤد خان، بمیان آمده است... ارتقای (۱۵۰) نفر صاحب منصب توسط فرقه مشر محمد داؤد خان، برخلاف میل کاکایش، وزیر حربیه، میباشد... لست ترفیع (۱۵۰) نفر از قول اردوی کابل برای منظوری به وزارت حربیه فرستاده شده بود، اما او به چند دلیل مخالفت کرده است. یکی اینکه تعداد درین لست بسیار زیادبود، و دیگر اینکه تمام شان مربوط به قول اردوی کابل بوده و ارتقای آنها، بدون در نظر گرفتن صاحب منصبان دیگر اردو، سبب رقابت و بدبینی خواهد شد. فرقه مشر محمد داؤد هم موافقه شاه را بدست آورده و بعد آن لست را نشر میکند. این اقدام محبوبیت محمد داؤد را بین صاحب منصبان قول اردویش بیشتر ساخته ولی به اختلاف بیشتر

بین او و کاکایش وزیر حربیه خواهد انجامید. لوامشر سید محمد صالح خان ، قومندان لوای گارد، از جمله کسانیست که به اخذ ترفیع نایل شده است» . (آرشیف انگلستان، راپور شماره ۳۵ مؤرخ ۲۹ اگست ۱۹۴۲ آتشه نظامی سفارت انگلیس).

**مثال ششم: پخش شایعات (آوازه های سر چوک) توسط رژیم خاندانی برای دانستن محبوبیت اقدامات بعدی:**

یک سند دیگر آرشیف انگلستان باز هم از ادامه اختلافات بین خاندان شاهی و احتمال آمدن مارشال شاه ولی خان اطلاع میدهد. درین راپور محرمانه سفارت انگلستان ادعا شده است «که وزیر دفاع، وزیر دربار، فرقه مشر اسدالله خان [سراج، برادرزاده نادرشاه] و علیشاه خان دسته اول را تشکیل داده و اعضای باقیمانده خاندان دسته دیگر را. این هم گفته میشود که شاید شاه ولی خان برای میانجیگری و رفع مشکلات مختلف از طریق ترتیب ازدواج اعضای فامیل خودش و فرزندان و دختران وزیر حربیه [سردار شاه محمود خان] از ویچی فرانسه برگردد». درین راپور علاوه شده است که «ناممکن است فعلا ارزش این راپور ها را دانست، چنانچه چند بار در گذشته نیز اتفاق افتاده است. باید فراموش نکرد که گردش این نوع شایعات بصورت عمدی برای دانستن همدردی از جناح های مختلف در بار پخش شده و از نتایج آن به نفع خانواده بصورت کلی استفاده شده است» . (آرشیف انگلستان، راپور شماره ۱۹ محرمانه سفارت انگلستان در کابل، ۱۵ می ۱۹۴۳) .

**مثال هفتم : خوش بینی و اعتماد شاه در رابطه با بقای رژیم خاندانی:**

در یک سند دیگر از آرشیف انگلستان میخوانیم که «با گذشت سالها، عموهای ظاهرشاه احتمالاً اطمینان بیشتری پیدا می کنند که رژیم یحیی خیل باقی ماندنیست و امیدوارند که محمد نعیم و محمد داود در دوره آموزش خود به آن مرحله رسیده باشند تا اطمینان حاصل کنند که از خدمتگزاران وفادار به پسر کاکای شان ظاهر شاه بوده ، و بدون فکر جاه طلبی شخصی مایل باشند به کشور خود خدمت کنند. صدراعظم [هاشم خان] و تا درجه کمتری وزیر حربیه [شاه محمود خان] از خطر ناشی از اختلافات و هم چشمی های فامیلی آگاهی دارند و سخت میکوشند تا نزاع های را که پیش می آید ترمیم کنند. تا مدت زمانی که این دو کاکای شاه حیات داشته و در کشور باشند، بنظر نمیرسد که محمد نعیم و محمد داود برای تصرف قدرت اقدام کنند. ولی اگر صدراعظم بمیرد، احتمال بروز اختلافات شدید بین اعضای خاندان شاهی را نمیتوان نادیده گرفت. محمد نعیم و محمد داود به انتصاب مقامات جزئی در حکومت راضی نخواهند بود، و باید بدانند که برای صدارت و وزارت حربیه در نظر گرفته شده اند. وزیر حربیه چند پسر جوان دارد که در زمان مناسب واجد شرایط

پیست های مناسب خواهند شد. او خودش و هم خانمش، که دارای افکار نیرومند است، مایل اند پسران شان در سن مناسب در موقعیت های کلیدی قرار گیرند.

اهمیت صدراعظم و برادرش شاه ولی خان، بحیث داور در هر دعوی خانوادگی که ممکن است رخ دهد، بسیار مهم است، و میتوان امیدوار بود که اگر صحت صدراعظم اجازه دهد، برای سالیان آینده سرنوشت خانواده یحیی خیل و حکومت را رهنمائی کند. حتی اگر او نتواند در اداره کشور شرکت فعال داشته باشد، تنها موجودیت او در کشور برای مدت طولانی ثبات حکومت را تضمین میکند».

(آرشیف انگلستان، راپور شماره ۴۷ محرمانه سفارت انگلستان در کابل، ۲۷ نومبر ۱۹۴۳).

**مثال هشتم : وفات قومندان قوای هوایی و کشمکش داخل خانواده برای تعیین جانشین:**

در یک راپور طولانی ارزیابی شش ماهه وضعیت اردوی افغانستان در آرشیف انگلستان، در رابطه با کنترل قوای هوایی، از کشمکش بین شاه محمود خان و سردار داؤد خان شکایت شده است. آتش نظامی سفارت انگلیس ها در کابل این اختلاف را، بعد از وفات فرقه مشر محمد احسان خان، تقرر فرقه مشر اسدالله خان سراج بحیث قومندان قوای هوایی میداند. آتش نظامی در راپورش مینویسد که «این تقرر قومندان قوای هوایی بطور کلی سودمند ثابت خواهد شد، اما این تقرر به اثر نفوذ وزیر حربیه [شاه محمود خان] صورت گرفته، چون او میخواهد قوای هوایی تحت اداره وزارت حربیه باقی بماند و بادادن آن به برادر زاده اش محمد داؤد خان مخالف است.

گرچه فرقه مشر اسدالله خان تجربه در قوای هوایی ندارد، اما نسبت به قومندان سابق در حلقات خاندان شاهی دارای وزنه بیشتری میباشد، او مشتاق انکشاف قوای هوایی و تنظیم دوباره آن میباشد. او حتی اجرای بعضی از توصیه های را آغاز نموده است که درین اواخر توسط ما داده شده است».

(آرشیف انگلستان، راپور شش ماهه شماره (۵) آتش نظامی سفارت انگلستان در کابل (دوره ۱۵

مارچ تا ۱۵ سپتمبر ۱۹۴۵) راجع به وضعیت اردوی افغانستان).

**مثال نهم : همکاری های شاه محمود خان و سردار داؤد خان و اختلاف نظر در رابطه با عملیات**

**علیه قیام صافی های کنر:**

در راپور فوق الذکر آتش نظامی انگلیس ها علاوه شده است که «وزیر حربیه و برادرزاده اش، فرقه مشر محمد داؤد خان در طول شش ماه گذشته در رابطه با مسائل مربوط به پالیسی اردو، و مواردی چون تنظیم دوباره اردو و خریداری اسلحه و مهمات از هند بریتانوی همکاری بسیار نزدیک داشته اند. اما، از زمان وقوع ناآرامی در دره کنر، شایعات برخورد های شان زیاد شده است. این

اختلافات به دیدگاه های متفاوت شان در مورد نحوه برخورد با اقوام ارتباط میگیرد. پالیسی وزیر حربه حفظ آرامش از راه مذاکره و اقناع بوده، در حالیکه پالیسی برادر زاده اش مجبور کردن اقوام به پذیرش عسکری اجباری، انکشاف ارتباطات در مناطق قومی و آموزش و پرورش در صورت لزوم با استفاده از قوای نظامی میباشد.

روش فرقه مشر محمد داؤد بر صافی های دره کتر عملی میشود، اما بسیار زود است تا موفقیت یا ناکامی آن را بدانیم. اگر محمد داؤد به مقابل صافی ها موفق شود، احتمال می رود این تجربه را به اقوام دیگر نیز توسعه بخشد. و این اقدام به قیام های بیشتر اقوام به مقابل حکومت خواهد انجامید». (همانجا، صفحه ششم) .

(پایان)